

بررسی تطبیقی نیازهای فرهنگی دانشجویان برگزیده دانشگاه جامع علمی- کاربردی با دانشجویان برگزیده دانشگاه‌های سراسری

از صفحه (۹۹ تا ۱۲۲)

¹ **شهناز هاشمی**

تاریخ دریافت: 92/8/15

² **محمد سلطانی فر**

تاریخ پذیرش: 92/10/5

³ **شهر روز ابراهیمی**

⁴ **هاتف جلیل زاده**

چکیده

نیازها و فعالیت‌های فرهنگی دانشجویان همواره در رشد و موفقیت آنها تاثیرگذار بوده است. در این میان ترکیب دانشجویی برخی دانشگاه‌های کشور به لحاظ موقعیت اجتماعی و شخصیتی دانشجویان، متفاوت با دیگر دانشگاه‌هاست، از جمله می‌توان به دانشگاه جامع علمی- کاربردی اشاره کرد که دانشجویان آن عمدتاً شاغل بوده و برای ارتقاء مهارت شغلی وارد دانشگاه شده‌اند. از آنجاکه این طیف از دانشجویان می‌توانند نیازهای فرهنگی متفاوتی داشته باشند تحقیق حاضر به این

1. عضو هیات علمی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز،

گروه ارتباطات، تهران، ایران

2. دانشیار ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

3. استادیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

4. کارشناسی ارشد مدیریت امور فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (تهران)

..... بررسی تطبیقی نیازهای فرهنگی دانشجویان برگزیده

سوال اصلی پاسخ می‌دهد که آیا نیازهای فرهنگی دانشجویان علمی-کاربردی (که عمدتاً شاغل هستند) تفاوت معناداری با نیازهای فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های سراسری دارد؟

واژگان کلیدی: دانشگاه جامعه علمی - کاربردی، دانشگاه امیرکبیر، دانشجوی برگزیده، نیاز فرهنگی، اشتغال.

مقدمه

فرهنگ هر جامعه ای و ملتی و هر انقلابی به مجموعه دستاوردهای ذهنی در آن جامعه که شامل دانش، اخلاق، سنن، آداب و چیزهایی که از اینها سرچشمه می‌گیرد گفته می‌شود، به طور کلی ذهنیت حاکم بر یک جامعه به معنای جوشیده یا از خارج از آن جامعه در آن راه یافته باشد. (آیت‌الله خامنه‌ای، 1371)

فرهنگ، شامل عقاید، آگاهی‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، آداب و عاداتی می‌شود که از طریق تعلیم و تعلم به افراد منتقل می‌شود و صورتی جمعی پیدا می‌کند. (نجار نهندی، 1389)

در این میان، موضوع نیازها و فعالیت‌های فرهنگی دانشجویان همواره از مباحث جدی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دانشگاه‌های زیرمجموعه آن بوده است. حضور در دانشگاه، فصلی مهم در زندگی دانشجویان را بویژه در عرصه فرهنگی و شخصیتی رقم می‌زند و از این روست که عملکرد فرهنگی دانشگاه‌ها تاثیر به‌سزایی در شکل‌گیری فضای فرهنگی کشور دارد. دانشجویان از اقصا نقاط کشور وارد دانشگاه‌های شهرهای مختلف می‌شوند و در انتقال فرهنگ حاکم بر دانشگاه، به شهر خود نقش ایفا می‌کنند. دانشجویی فارغ‌التحصیل همزمان با تطبیق خود با فضای جدید، بویژه در اولین تجربه ورود به دانشگاه، نیازها و خواسته‌های جدید فرهنگی را نیز آگاهانه و ناآگاهانه احساس کرده و در نهایت می‌پذیرد.

تربیت در صورتی صحیح و ثمربخش خواهد بود که بر اساس مراحل رشد صورت پذیرد. به مدد همین مراحل است که می‌توان انواع مشخص تربیت را تعریف کرد. (دبس، 1370). آنچه که در این میان اهمیت زیادی می‌یابد برنامه‌ریزی مناسب مسوولان مربوطه و عمدتاً فرهنگی دانشگاهی جهت شناخت و تعریف درست این نیازها و برنامه‌ریزی کارآمد به منظور رفع این نیازهاست. چراکه رفع نیاز فرهنگی دانشجویان می‌تواند در موفقیت آموزشی آنها نیز اثرگذار باشد.

این در حالی است که نیاز فرهنگی دانشجویان کشور ابتدا در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تدوین می‌گردد پس به منظور اجرا به دانشگاه‌ها ابلاغ می‌گردد در حالی که به نظر می‌رسد این روند باید مسیر عکس را طی کند. از طرف دیگر در تکامل شکل‌گیری شخصیت فرهنگی و اجتماعی دانشجویان، شناخت صحیح نیازهای فرهنگی و برنامه‌ریزی کامل برای اوقات فراغت، نقش مهمی را ایفا می‌کند.

اوقات فراغت در زندگی ما نقشی مهم دارد و دارای کارکردهای اجتماعی است. از مهم‌ترین کارکردها، غنی‌ساختن کیفیت زندگی، رشد ابعاد مختلف فردی و پیشگیری از استفاده‌های ضد اجتماعی و بزهکارانه از وقت آزاد است. (اردکانیان، 1389)

همچنین، بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که فضای دانشگاهی، بستر مناسبی را جهت ترویج و توسعه فرهنگ جامعه محیا می‌کند. جامعه‌ای که به فرهنگ ملی خود پشت پا بزند، دلیل بر آن است که لزوم فرهنگ را بطور کلی نفی کرده است، آن را چیز بی‌ثمری انگاشته، و در چنین حالی البته به تحصیل فرهنگ بیگانه نیز توفیق نخواهد یافت. (اسلامی ندوشن، 1371)

فراغت بایستی با تحقق توانایی‌های بالقوه آدمی به صورتی آزادانه ارتباط داشته باشد. چنین هدفی، چه با نیازهای اجتماعی سازش پیدا کند و چه نکند، به خودی خود، هدف تلقی می‌شود. (اردلان، 1352)

در این تحقیق ضمن بررسی نیازهای فرهنگی دانشجویان شاغل، به دنبال بررسی تفاوت معنی‌دار این نیازها در میان دانشجویان علمی-کاربردی (عمدتا شاغل) و سراسری (عمدتا از مقطع پیش‌دانشگاهی وارد دانشگاه شده و غیرشاغل هستند) پرداخته می‌شود که دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر (دانشجویانی که از مقطع پیش‌دانشگاهی وارد دانشگاه شده‌اند) به نمایندگی از دانشگاه‌های سراسری انتخاب شدند. انتخاب دانشگاه امیرکبیر نیز از آن رو انجام گرفت که این دانشگاه همواره دانشجویان طیف‌های مختلف از جمله

فنی، فرهنگی، اجتماعی، هنری... را در بر گرفته و یکی از دانشگاه‌های تاثیرگذار سراسری در عرصه فرهنگی و اجتماعی نیز بوده است. دانشجویان همواره به عنوان یکی از مهمترین و تاثیرگذارترین گروه‌های اجتماعی مورد توجه سیاست‌گذاران نهادهای آموزشی بوده‌اند و برنامه‌ریزی اوقات خارج از محیط‌های آموزشی آنان به منظور ارتقاء توانمندی‌ها و ظرفیت‌های آن‌ها در حوزه‌های مختلف فرهنگی یکی از دغدغه‌های اصلی برنامه‌ریزان بوده است. (اشتریان، 1388).

مهمترین ساختار مصوب وزارت علوم، برای فعالیت‌های فرهنگی دانشجویان، کانون‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی هستند که بر اساس تعریف وزارت علوم، نهاد‌هایی دانشجویی هستند که در زمینه‌های قرآن و عترت، فیلم و عکس، موسیقی، هنرهای نمایشی، هنرهای تجسمی، صنایع دستی، فرهنگ و اندیشه، ایرانگردی... فعالیت می‌کنند. (بابایی، 1386)

در جامعه امروز ایران، بیش از یکصد دانشگاه دولتی، نیمه دولتی و خصوصی فعالیت می‌کنند که ترکیب دانشجویی برخی از آنها متفاوت از دیگران است، از جمله می‌توان به دانشگاه جامع علمی-کاربردی اشاره کرد که طبق اساسنامه دانشگاه، عمدتاً دانشجویان آن شاغل بوده و برای ارتقاء سطح مهارت شغلی در کنار کسب دانش و فن‌آوری وارد دانشگاه شده‌اند و تنها بخش اندکی با هدف آموزش مهارت به امید ورود به عرصه کسب‌وکار وارد این دانشگاه شده‌اند. بر همین اساس در این مقاله، نیازهای فرهنگی متفاوت دانشجویان دانشگاه جامع علمی-کاربردی که عمدتاً شاغل بوده و پس از ورود به جامعه کار و به منظور ارتقاء مهارت، وارد دانشگاه شده‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بدیهی است که با توجه به موقعیت متفاوت اجتماعی و شخصیتی این طیف از دانشجویان نیازهای دانشگاهی و از جمله نیاز فرهنگی آن‌ها نیز می‌تواند متفاوت باشد. این در حالی است که بر اساس تعاریف معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری در حوزه نیازهای فرهنگی دانشجویان به موضوعات کلی همچون پرورش تزکیه

دانشجویان، گسترش فضای معنوی و روحانی پرورش استعدادهای هنری دانشجویان، برگزاری اردوهای دانشجویی، رشد فضایل اخلاقی، مقابله با ترویج افکار و عقاید انحرافی و تهاجمات فرهنگی... اشاره شده است (ترابی، 1386)، که هرچند به عنوان نیازهای کلی فرهنگی ضروری به نظر می‌رسند اما باید توجه داشت که ترکیب دانشجویی متفاوت دانشگاه‌های کشور مدنظر قرار نگرفته است. از آنجاکه برنامه‌ریزی فرهنگی برای هر یک از این گروه دانشجویان، پیش از هر چیز دیگری مستلزم شناسایی نیازهای فرهنگی آنهاست بنابراین با "نیازهای فرهنگی" متفاوتی درگیر خواهیم بود و ضمن بررسی نیازهای فرهنگی دانشجویان شاغل به دنبال بررسی تفاوت معنی‌دار این نیازها در میان دانشجویان علمی-کاربردی و دانشجویان سراسری پرداخته می‌شود.

برنامه‌ریزی فرهنگی نیز عبارت است از طراحی مجموعه‌ای از رفتارها، کنش‌ها و واکنش‌ها، اقدامات و تدابیر برای مسائل فرهنگی بر اساس یک آینده محتمل و یا متصور. (خواجه‌سروی، 1386)

همچنین از آنجاکه دانشجویان برگزیده، همواره احساس نیاز و مطالبات جدی‌تری در موارد مختلف از جمله حوزه فرهنگی دارند دانشجویان برگزیده هر دو دانشگاه برای این تحقیق انتخاب شده‌اند. با توجه به این موضوع که این تحقیق با معیار شاخص‌های فرهنگی دانشگاه جامع علمی-کاربردی انجام می‌گیرد در این تحقیق سعی می‌شود تصویری روشن از وضعیت کنونی فرهنگی دانشگاه جامع علمی-کاربردی و نیز آنچه که دانشجویان به عنوان نیاز فرهنگی خود مطرح می‌کنند ارائه دهیم و ضمن مقایسه وضع موجود با وضع مطلوب راهکاری مناسب جهت رسیدن به شرایط مطلوب ارائه گردد. بدیهی است دانشجویانی که پس از سال‌ها حضور در عرصه اجتماعی و اشتغال در حرفه‌های مختلف به منظور مهارت-افزایی وارد دانشگاه شده‌اند می‌توانند نیازهای فرهنگی متفاوتی را نسبت به دانشجویان دانشگاه‌های سراسری داشته باشند.

در حال حاضر بیش از 600 هزار دانشجوی علمی-کاربردی در 950 مرکز آموزش عالی علمی-کاربردی مشغول به تحصیل هستند که عموماً از افراد شاغل جامعه بوده و برای کسب مهارت به این دانشگاه آمده‌اند. این در حالی

است که تا کنون هیچ تحقیق جامعی در خصوص تفاوت نیازهای فرهنگی این طیف از دانشجویان با دانشجویان دیگر دانشگاه‌ها بویژه با رویکرد شناخت و رفع این نیازها در مسیر تقویت توانمندی‌های فرهنگی و اجتماعی دانشجویان علمی-کاربردی انجام نگرفته است. با توجه به اینکه نزدیک به 20 درصد جامعه دانشجویی کشور را دانشجویان علمی-کاربردی تشکیل می‌دهند و این طیف حضوری فعال در عرصه جامعه دارند این تحقیق می‌تواند به شناخت نیازهای فرهنگی و البته برنامه‌ریزی کارآمد در راستای تامین نیازهای فرهنگی و حتی درسی کمک کند. موضوع قابل تأمل اینک، هم‌اکنون تمامی وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی بجز چند مورد، دوره‌های آموزش عالی خود را می‌بایست در چارچوب دوره‌های ترمی و پودمانی دانشگاه جامع علمی-کاربردی به اجرا گذارند و این خود بر اهمیت موضوع، بیش از پیش می‌افزاید. اهمیت انجام این تحقیق بیش از هر چیز دیگری در واکاوی و نیازسنجی دقیق نیاز فرهنگی دانشجویان شاغل علمی-کاربردی و نیز شناخت راهکارهای ارتقاء فرهنگی این دانشگاه، به عنوان دانشگاهی است که راهبرد آموزشی آن، مهارتی و کاربردی است و به تبع آن، فضای فرهنگی حاکم بر آن نیز که عمدتاً از دانشجویان شاغل شکل گرفته است متفاوت با دیگر دانشگاه‌های کشور است، در عین حال میزان موفقیت عملکرد فرهنگی دانشگاه جامع علمی-کاربردی نیز سنجیده می‌شود.

بنا به عقیده یورک، نیازسنجی عبارت است از: سنجش اینکه به چه چیز و به چه اندازه نیاز است. مک لپ نیز معتقد است: نیازسنجی، فرآیند نظم بخشی و اولویت بندی نیازهای اجتماع است. حسن نیازسنجی این است که حدس، گمان، تعبیر و تفسیر را از اطلاعات موجود درباره نیازها دور می‌کند و تغییراتی که در الگوی زندگی و رفتاری مردم پدید می‌آید، شفاف می‌گردد. (حاجیانی، 1381)

همچنین این تحقیق می‌تواند با شناخت دقیق‌تر نیازهای فرهنگی دانشجویان، به نحوه نظارت معقول بر فعالیت‌های فرهنگی آن‌ها کمک کند. بر اساس تعاریف موجود، نظارت اجتماعی مجموع وسایل و شیوه‌هایی است که با استفاده از آن‌ها، یک گروه یا یک واحد، اعضای خود را به پذیرش رفتارها، هنجارها و قواعدی در سلوک و حتی آداب و رسوم منطبق با آنچه گروه مطلوب تلقی می‌کند، سوق می‌دهد. (بیرو، 1376)

اهداف تحقیق شامل:

هدف آرمانی: شناخت راهبردهای ارتقاء عملکرد فرهنگی دانشگاه جامع علمی-کاربردی بر اساس نیازسنجی دقیق فرهنگی دانشجویان علمی-کاربردی و برنامه ریزی فرهنگی منطبق با این نیازها

هدف عملیاتی: بررسی عملکرد فرهنگی دانشگاه جامع علمی-کاربردی با محوریت نیازهای (احتمالاً) متفاوت دانشجویان این دانشگاه، با توجه به اهداف موجود در راهبرد فرهنگی دانشگاه

هدف کاربردی: شناخت تفاوت‌های نیازهای فرهنگی دانشجویان دانشگاه جامع علمی-کاربردی با دانشجویان دیگر دانشگاه‌های کشور و سرمایه‌گذاری هدفمند در زمینه نیازهای فرهنگی دانشجویان علمی-کاربردی

فرضیه‌های تحقیق شامل

بین نیازهای فرهنگی دانشجویان علمی-کاربردی که عمدتاً شاغل هستند با نیازهای فرهنگی دانشجویان سراسری که عمدتاً از مقطع پیش‌دانشگاهی وارد دانشگاه شده‌اند، تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

اشتغال، می‌تواند به عنوان مهمترین شاخص در طبقه‌بندی نیازهای فرهنگی دانشجویان مطرح باشد.

بین برنامه‌ریزی منطبق با نیازهای فرهنگی دانشجویان هر دانشگاه با میزان رضایت دانشجویان از عملکرد فرهنگی دانشگاه رابطه مستقیم وجود دارد.

بین رضایت دانشجویان از عملکرد فرهنگی دانشگاه با میزان موفقیت درسی آن‌ها رابطه مستقیم وجود دارد.

روش تحقیق از نوع توصیفی است چرا که به توصیف وضعیت حال حاضر فرهنگی دانشگاه جامع علمی-کاربردی می‌پردازد و از طرف دیگر وضعیت مطلوب فرهنگی این دانشگاه و نیز راهکارهای رسیدن به چنین وضعی را بر اساس نتایج بدست آمده توصیف خواهد کرد. همچنین نظر به اینکه برای دریافت نظرات دانشجویان از عملکرد فرهنگی دانشگاه در حال حاضر و نیز انتظار مطلوب آن‌ها از وضعیت فرهنگی در دانشگاه، از نظرسنجی استفاده می‌گردد در این راستا نیز از روش پیمایش استفاده می‌شود. از یک سو اطلاعات مورد نظر از آیین‌نامه‌های فرهنگی وزارت علوم تحقیقات و فناوری و دانشگاه جامع علمی-کاربردی استخراج می‌شود و از سوی دیگر، نتایج عملکرد دانشگاه بر اساس این آیین‌نامه‌ها و میزان رضایت دانشجویان از آن‌ها، از طریق نظرسنجی از دانشجویان برگزیده این دانشگاه و یک دانشگاه سراسری که در این تحقیق دانشگاه امیرکبیر انتخاب شده است گردآوری می‌گردد تا نتایج به‌دست آمده، مقایسه و تفاوت نیازهای فرهنگی دانشجویان تایید و یا رد گردد. متغیر وابسته پژوهش، نیاز فرهنگی دانشجویان (علمی-کاربردی) است. متغیرهای مستقل نیز اشتغال، تأهل، سن، جنسیت، و بومی بودن (یا نبودن) هستند.

گردآوری داده‌ها با استفاده از روش میدانی انجام می‌پذیرد و ابزار مورد استفاده جمع‌آوری داده‌ها از طریق توزیع پرسشنامه خواهد بود. جامعه آماری، شامل 27 دانشجوی برگزیده دانشگاه جامع علمی-کاربردی و 27 دانشجوی برگزیده دانشگاه امیرکبیر است که در سطح ملی و بین‌المللی موفق به کسب عنوان برگزیده در یکی از رشته‌های فرهنگی، علمی و یا هنری شده‌اند و جامعه نمونه در دسترس نیز شامل 25 دانشجوی برگزیده علمی-کاربردی و 25 دانشجوی برگزیده دانشگاه امیرکبیر است که بدلیل دسترسی به تمام اعضای

بررسی تطبیقی نیازهای فرهنگی دانشجویان برگزیده

جامعه آماری، از روش کل شماری استفاده می‌گردد. ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز نرم‌افزار SPSS می‌باشد.

مبانی نظری

جدول 1: مبانی نظری تحقیق

نظریه	نظریه پرداز	ویژگی نظریه	نقاط برجسته تئوری
اصلی	گی روشه	تقسیم بندی کارکرد فرهنگ به دو قسمت اجتماعی و روانی	تفکیک ویژگی‌های فرهنگ از کارکرد- های فرهنگ
فرعی	گیدنز	بیان ویژگی‌های عام فرهنگ	تاکید بر نظام‌های ارزشی به عنوان ویژگی‌های عام فرهنگی
فرعی	رابرتسون	تشریح عناصر فرهنگی	تاکید بر گوناگونی فرهنگ و لزوم نظام کنترل اجتماعی
فرعی	مازلو	تقسیم بندی نیازها	تاکید بر مقایسه اجتماعی برای شکل- گیری نارضایتی از وضع موجود

گی روشه تعریف خود از فرهنگ را این چنین ارائه می‌دهد: فرهنگ، مجموعه به هم پیوسته‌ای از شیوه‌های تفکر احساس و عمل است که کم و بیش مشخص است و توسط تعداد زیادی از افراد، فرا گرفته می‌شود و بین آن‌ها مشترک است و به دو شیوه عینی و نمادین به کار گرفته می‌شود تا این اشخاص را به یک جمع خاص و متمایز مبدل سازد. وی خصوصیات ذیل را برای فرهنگ برمی‌شمرد:

1- کنش اجتماعی بودن فرهنگ: از نظر وی فرهنگ عبارت است از کنشی که بیش از هر چیز و قبل از هر چیز، با دیگران دوام می‌یابد. با توجه به این کنش است که می‌توان به

وجود فرهنگ پی برد و حدود آن را معلوم کرد و از آنجا که کنش افراد با فرهنگ معینی مطابقت می‌نماید می‌توان کنش اشخاص را کنش اجتماعی نامید.

2- امکان رسمی شدن فرهنگ: گی روشه معتقد است این شیوه تفکر، احساس و عمل می‌تواند کم و بیش رسمی بوده و شکل معین و خاصی به خود بگیرد. میزان رسمی شدن بر حسب ماهیت مقولات فرهنگی متغیر است. به عنوان مثال مقولاتی نظیر قوانین، شعائر، مراسم تشریفات، شناخت علمی، تکنولوژی و علوم دینی بسیار رسمی و مشخص هستند در حالی که مقولاتی چون هنر، آداب و رسوم و برخی بخش‌های آداب معاشرت بخصوص آن‌ها که روابط شخصی متقابل را توصیف می‌کنند با درجات متفاوت، کمتر رسمی و مشخص هستند.

3- مشترک بودن فرهنگ بین تعدادی از افراد: آن چه که قبل از هر چیز فرهنگ را می‌سازد شیوه‌های فکر احساس و عمل مشترک بین افراد متعدد است و تعداد افراد اهمیت ندارد.

4- فرهنگ به صورت ارثی و ژنتیکی منتقل یا اخذ نمی‌شود بلکه ناشی از مکانیزم‌های یادگیری است.

5- ویژگی دیگر فرهنگ حالت عینی و نمادین فرهنگ است نمادهای فرهنگی مشترک به اندازه‌ای عینی و ملموس هستند که برای هر یک از اشخاص و برای همه آن‌ها قابل فهم و درک هستند.

6- فرهنگ مجموعه‌ای به هم پیوسته را تشکیل می‌دهد به گونه‌ای که می‌توان آن را یک سیستم یا نظام نامید. عناصر فرهنگ به طور ساده کنار هم چیده نشده‌اند بلکه آن‌ها دارای پیوستگی با همدیگر هستند که تغییر در یک عنصر، عناصر دیگر را تحت الشعاع قرار می‌دهد. گی روشه به کارکردهای فرهنگ اشاره می‌کند و آن را به دو نوع کارکرد اجتماعی و روانی طبقه‌بندی می‌کند. کارکردهای اجتماعی فرهنگ این است که به عنوان یک جهان فکری، اخلاقی و نمادین مشترک بین اشخاص است که از طریق آن، اشخاص با یکدیگر مرتبط می‌شوند. از نظر کارکرد روانی، فرهنگ به‌سان نوعی قالب است که در آن شخصیت‌های روانی افراد ریخته می‌شود. کارکردهای دوگانه فرهنگی (جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی): دیگر

کارکرد کلی و قابل فهم‌تر کارکردی است که سازگاری انسان و جامعه را به محیط و واقعیت‌هایی که می‌بایستی با آن‌ها زندگی کنند، ممکن و فراهم می‌سازد. (گی روشه، 1367)

از نظر گیدنز نیز، فرهنگ عبارت است از ارزش‌هایی که اعضای یک گروه معین دارند، هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند و کالاهای مادی که تولید می‌کنند. فرهنگ از نظر گیدنز، هم شامل شیوه‌ها و الگوهای زندگی و هم شامل کالاهای مادی می‌شود که اعضای گروه، تولید می‌کنند و برایشان اهمیت اساسی دارد مانند تیروکمان، خیش کارخانه و ماشین، کامپیوتر، کتاب و مسکن. وی در ادامه از ویژگی‌های عام فرهنگ نام می‌برد. گیدنز آن دسته از ویژگی‌های فرهنگی را که تقریباً در تمامی جوامع یافت می‌شوند، ویژگی‌های عام فرهنگی عنوان می‌کند. نظام خانوادگی که در آن، ارزش‌ها و هنجارهایی در ارتباط با مراقبت از کودکان وجود دارد، نهاد ازدواج شعائر دینی و حقوق مالکیت تقریباً در تمامی جوامع وجود دارند، از ویژگی‌های عام فرهنگی به شمار می‌روند. (گیدنز، 1989)

گیدنز به بررسی سه ویژگی عام مشترک فرهنگ پرداخته است که عبارتند از:

1- زبان: داشتن زبان یکی از مشخص‌ترین و مهمترین ویژگی‌های فرهنگی انسان‌هاست که در همه فرهنگ‌ها یافت می‌شود.

2- گفتار و نوشتار (خط): همه جوامع از گفتار به عنوان وسیله انتقال زبان استفاده می‌کنند. اندیشه‌ها و تجربیات در فرهنگ‌های بدون خط، تنها در صورتی می‌توانند به نسل‌های بعد انتقال یابند که به طور منظم از طریق گفتار تکرار شده و انتقال داده شود، ولی متون می‌توانند هزاران سال دوام بیاوند و از طریق آن‌ها می‌توان با نسل‌های قبلی ارتباط برقرار کرد.

3- نشانه‌شناسی و فرهنگ مادی: نمادهای گفتاری و نوشتاری تنها راه انتقال معانی نیستند بلکه اشیا مادی و جنبه‌های رفتاری نیز می‌توانند برای تولید معانی به کار روند.

یان رابرتسون هم معتقد است که انسان‌ها بر خلاف حیوانات در برابر طبیعت، انفعالی عمل نمی‌کنند و سعی می‌کنند طبیعت را به نفع خود تغییر دهند و بیان می‌کند که اعضا هر جامعه لازم است یک فرهنگ و یک شیوه کلی زندگی، به وجود آورند و در آن سهیم شوند. رابرتسون می‌گوید: ما فرهنگ را می‌آفرینیم و فرهنگ نیز به نوبه خود، ما را می‌آفریند.

رابرتسون در مورد رابطه انسان و طبیعت انسان می‌گوید: طبیعت انسان همان چیزی است که ما ساختیم و آنچه را که ما می‌سازیم عمدتاً به فرهنگی بستگی دارد که به طور اتفاقی در آن زندگی می‌کنیم. (یان رابرتسون، 1374). رابرتسون در ادامه به تشریح عناصر پدید آورنده فرهنگ می‌پردازد. یکی از این عناصر هنجارها هستند. هنجارها همان قواعد و رهنمودهای مشترکی هستند که رفتار مناسب را در یک وضعیت معین مقرر می‌دارند. شیوه‌های قومی و رسوم اخلاقی از عناصر دیگر فرهنگ هستند. سرپیچی از شیوه‌های قومی در مقایسه با رسوم اخلاقی قابل تحمل‌تر می‌باشد. شیوه‌های قومی عبارتند از قراردادهای معمولی در زندگی روزمره. رسوم اخلاقی و هنجارها به صورت قانون تدوین می‌شوند. قانون قاعده‌ای است که به طور رسمی توسط قدرتی سیاسی تصویب شده و به وسیله نیروی دولتی پشتیبانی می‌شود. رابرتسون می‌نویسد: هر جامعه‌ای لازم است یک نظام کنترل اجتماعی داشته باشد، یعنی مجموعه‌ای از وسایل برای تضمین این که مردم عموماً به شیوه‌های مورد تایید و انتظار، رفتار خواهند کرد. کنترل اجتماعی می‌تواند رسمی و یا غیررسمی، از طریق واکنش سایر مردم در جریان زندگی روزمره باشد. بحث دیگری که رابرتسون مطرح نموده گوناگونی فرهنگ‌ها است و آن را بیشتر ناشی از شرایط زیست-محیطی جوامع می‌داند وی در این زمینه می‌نویسد: فرهنگ هر جامعه منحصر به فرد است و شامل ترکیبی از هنجارها و ارزش‌هایی است که در جای دیگر یافت نمی‌شود. این گوناگونی، نتیجه عوامل زیست‌محیطی می‌باشد. مردم فرهنگ را همچون وسیله تطابق با محیط می‌آفرینند و لذا اعمال فرهنگی آنان لزوماً تحت تاثیر فشارها و فرصت‌های محیطی قرار دارد که در آن زندگی می‌کنند.

در این میان، یکی از کلاسیک‌ترین طبقه‌بندی‌ها از انواع نیاز، مربوط به مازلو می‌باشد. او نیازها را به چند طبقه تقسیم می‌کند که از نیازهای جسمی و فیزیولوژیک شروع و به نیاز داشتن به خودشکوفایی ختم می‌شود. نیاز به احترام دیگران نیاز به امنیت... در این بین قرار می‌گیرند. نکته جالب در این طبقه‌بندی آن است که به عقیده مازلو، اولین طبقه از نیازها، مهم‌ترین طبقه است. زیرا اگر فرد ارضا نشود، مجالی برای پرداختن به سایر نیازها نمی‌یابد. بنابراین ارضای نیازهای اولیه به معنی آماده‌سازی بستری جهت پرداختن به نیازهای بعدی است. مقایسه اجتماعی، مهم‌ترین شرط پیدایش احساس نارضایتی از وضع موجود و

احساس نیاز در انسان است. بعد از مقایسه، احساس محرومیت نسبی به وجود می‌آید. عامل دیگر در پیدایش نیازها، آگاهی افراد است. هر چه قدر آگاهی فرد از موضوعات مختلف، بیشتر باشد احساس نیازش نسبت به آن موضوع خاص نیز افزایش می‌یابد. (رسولی، 1383)

بررسی فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: "بین نیاز فرهنگی دانشجویان علمی-کاربردی که عمدتاً شاغل هستند با نیازهای فرهنگی دانشجویان سراسری که عمدتاً از مقطع پیش‌دانشگاهی وارد دانشگاه شده‌اند، تفاوت معنی‌داری وجود دارد."

جهت بررسی وجود اختلاف معنی‌دار در میانگین نیاز فرهنگی دانشجویان به تفکیک دانشگاه محل تحصیل از آزمون t مستقل استفاده می‌نماییم.

جدول شماره دو به بررسی آزمون میانگین نیاز فرهنگی دانشجویان به تفکیک دانشگاه محل تحصیل می‌پردازد. ابتدا فرض برابری واریانس دو جامعه بررسی می‌شود با توجه به این که سطح معنی‌داری آزمون (0/092) بیشتر از 0/05 است بنابراین فرض برابری واریانس‌ها رد نمی‌شود. در نتیجه جهت بررسی میانگین‌ها از سطر اول جدول (سطر برابری واریانس‌ها) استفاده می‌گردد. در آزمون t مستقل، آماره آزمون و درجه آزادی به ترتیب برابر 6/4 و 48 است. سطح معنی‌داری آزمون 0/000 می‌باشد. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری کمتر از 0/05 است فرض صفر رد شده و با اطمینان 95% می‌توان گفت بین نیاز فرهنگی دانشجویان علمی-کاربردی با نیازهای فرهنگی دانشجویان سراسری تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول 2: بررسی آزمون میانگین نیاز فرهنگی به تفکیک دانشگاه محل تحصیل

فاصله اطمینان 95%		سطح معنی داری	درجه آزادی	آماره t	آزمون برابری واریانس		
حد پایین	حد بالا				سطح معنی داری	آماره F	
5/459	10/460	0/000	48	6/4	0/092	2/953	فرض برابری واریانس‌ها
5/452	10/467	0/000	43/464	6/4	-	-	فرض عدم برابری واریانس‌ها

جهت بررسی دقیق‌تر این فرضیه، نیازهای فرهنگی را به سه گروه "نیازهای عمومی" (نیاز غالب دانشجویان سراسری که عمدتاً بلافاصله پس از مقطع پیش‌دانشگاهی وارد دانشگاه شده‌اند) شامل اردوهای یک روزه، اردوهای چند روزه، برگزاری جلسات پرسش و پاسخ، خدمات مشاوره‌ای و برگزاری نشست‌های فرهنگی؛ "نیازهای اختصاصی" (نیاز غالب دانشجویان علمی-کاربردی که عمدتاً شاغل بوده و سال‌ها بعد از مقطع پیش‌دانشگاهی وارد دانشگاه شده‌اند)، شامل برگزاری کلاس‌های آموزشی، سمینار، کارگاه‌های آموزشی، تماشای نقد فیلم و تئاتر، برگزاری همایش علمی؛ و بالاخره "نیازهای مشترک" (نشریات دانشجویی، مسابقات فرهنگی و مسابقات قرآنی) دسته‌بندی می‌کنیم. سپس با کمک آزمون تحلیل کوواریانس به بررسی وجود اختلاف معنی‌دار در میانگین نیاز فرهنگی دانشجویان علمی-کاربردی و سراسری می‌پردازیم.

جدول 3: بررسی میانگین

متغیر وابسته	دانشگاه	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد
نیاز عمومی	امیرکبیر	22/32	1/31	25
	علمی کاربردی	14/84	2/73	25
نیاز اختصاصی	امیرکبیر	15/96	1/98	25
	علمی کاربردی	18/28	1/67	25
نیاز مشترک	امیرکبیر	12/56	1/29	25
	علمی کاربردی	12/16	1/77	25

طبق جدول بالا میانگین نیاز عمومی برای دانشجویان دانشگاه امیرکبیر 22/32 و دانشگاه جامع علمی-کاربردی 14/84 می‌باشد. میانگین نیاز اختصاصی برای دانشجویان امیرکبیر 15/96 و دانشجویان علمی-کاربردی 18/28 و میانگین نیاز مشترک برای دانشجویان امیرکبیر 12/56 و دانشجویان علمی-کاربردی 12/16 می‌باشد.

جدول 4: آزمون اثر بین موردی

متغیر	مقدار آماره F	سطح معنی‌داری (sig)
نیاز عمومی	152/03	0/000
نیاز اختصاصی	19/93	0/000
نیاز مشترک	0/831	0/367

با توجه به نتایج بدست آمده، دانشجویان دانشگاه جامع علمی-کاربردی و امیرکبیر (سراسری) در نیازهای فرهنگی، دارای اختلاف معنی‌داری هستند. همچنین بر اساس نتایج آزمون اثر بین موردی، دانشجویان دو دانشگاه در نیاز عمومی دارای اختلاف معنی‌داری هستند و میانگین نیاز عمومی برای دانشجویان دانشگاه امیرکبیر بیشتر از دانشگاه جامع علمی-کاربردی است. در نیاز اختصاصی نیز دانشجویان دو دانشگاه دارای اختلاف

معنی داری هستند و میانگین نیاز اختصاصی برای دانشجویان دانشگاه جامع علمی - کاربردی بیشتر از امیرکبیر است. همچنین دانشجویان در نیازهای مشترک فرهنگی، اختلاف معنی داری ندارند.

فرضیه دوم: "اشتغال، می تواند به عنوان مهمترین شاخص در طبقه بندی نیازهای فرهنگی دانشجویان مطرح باشد".

با توجه به مدل تحقیق، 5 عامل جنسیت، سن، وضعیت تاهل، بومی بودن و اشتغال بر نیازهای فرهنگی دانشجویان (متغیر وابسته) تاثیر دارد. با کمک رگرسیون خطی چندگانه مشخص می کنیم که کدام عامل بیشترین تاثیر را بر تغییرات نیاز فرهنگی دارد.

جدول 5: تحلیل رگرسیونی و ضرایب رگرسیون

سطح معنی داری	آماره t	BETA (ضریب استاندارد شده بتا)	خطای استاندارد	B	
0/000	9/076	-	7/410	67/251	عدد ثابت
0/343	0/959	0/114	1/443	1/384	جنسیت
0/002	3/276	0/551	2/028	6/644	اشتغال
0/000	4/741	0/361	1/129	5/353	سن
0/310	1/027	0/201	2/370	2/435	وضعیت تاهل
0/018	2/493	0/310	2/080	5/186	بومی بودن

بر اساس تحلیل رگرسیون سطح معنی داری متغیر اشتغال، سن و بومی بودن کمتر از 0/05 است بنابراین متغیر اشتغال سن و بومی بودن، وارد مدل رگرسیونی می شوند. با توجه به قدرمطلق ضریب بتا استاندارد شده بین سه متغیر اشتغال، سن و بومی بودن، متغیر اشتغال بیشترین ضریب بتا استاندارد شده را دارد بنابراین اشتغال بیشترین سهم را در تغییرات متغیر نیاز فرهنگی نسبت به دو متغیر سن و بومی بودن دارد و فرضیه فوق تایید می شود.

فرضیه سوم: "بین برنامه‌ریزی منطبق با نیازهای فرهنگی دانشجویان هر دانشگاه با میزان رضایت دانشجویان از عملکرد فرهنگی دانشگاه رابطه مستقیم وجود دارد".

جدول 6: ضریب همبستگی

دانشگاه	متغیر اول	متغیر دوم	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	نتیجه
امیر کبیر	برنامه‌ریزی	رضایت	0/609	0/001	وجود ارتباط معنی‌دار
علمی کاربردی	برنامه‌ریزی	رضایت	0/827	0/000	وجود ارتباط معنی‌دار

با توجه به توزیع غیرنرمال متغیر این فرضیه که با استفاده از آزمون کلموگروف اسمیرنوف بدست آمد، برای بررسی این فرضیه از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شد. از آنجا که سطح معنی‌داری آزمون برای هر دو دانشگاه کمتر از 0/05 بود بنابراین با اطمینان 95% می‌توان گفت ارتباط معنی‌داری بین دو متغیر وجود دارد. با توجه به مثبت بودن مقدار ضریب همبستگی نیز می‌توان گفت رابطه مستقیمی بین دو متغیر وجود دارد. به عبارتی هر چه برنامه‌ریزی، بیشتر بر نیازهای دانشجویان منطبق باشد رضایت دانشجویان از عملکرد فرهنگی دانشگاه نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه چهارم: "بین رضایت دانشجویان از عملکرد فرهنگی دانشگاه با میزان موفقیت درسی آن‌ها رابطه مستقیم وجود دارد".

جدول 7: بررسی آزمون همبستگی اسپیرمن و پیرسون

نتیجه	سطح معنی-داری	ضریب همبستگی	متغیر دوم	متغیر اول	دانشگاه
وجود ارتباط معنی دار	0/030	0/435	موفقیت درسی	رضایت	امیر کبیر
وجود ارتباط معنی دار	0/000	0/672	موفقیت درسی	رضایت	علمی کاربردی

با توجه به توزیع متغیر در 2 دانشگاه، با استفاده از آزمون‌های همبستگی اسپیرمن و پیرسون این فرضیه بررسی شد که بر این اساس، رابطه مستقیمی بین دو متغیر وجود دارد. به عبارتی هر چه رضایت دانشجویان از عملکرد فرهنگی دانشگاه افزایش یابد موفقیت درسی دانشجویان نیز افزایش می یابد.

نتیجه گیری

از آنجاکه وجه تمایز این تحقیق با پژوهش‌های پیشین مرتبط، انتخاب متغیر مستقل (اشتغال) به عنوان عامل تاثیرگذار بر متغیر وابسته (نیاز فرهنگی دانشجویان) بود، از این رو نتایج به دست آمده که فرضیه اصلی تحقیق را تایید کرد با تحقیق‌های انجام گرفته در این زمینه متفاوت است اما تایید تاثیر متغیرهای سن و بومی بودن بر نیازهای فرهنگی دانشجویان و نیز تاثیر مثبت فعالیت‌های فرهنگی بر موفقیت درسی، با نتایج پیشینه تحقیق مطابقت دارد.

در زمینه کارآیی برنامه‌های فرهنگی دانشگاه‌های کشور، با استناد به نتایج بررسی میزان رضایت دانشجویان از فعالیت‌های فرهنگی، به نظر می‌رسد روند کنونی تعریف نیازهای فرهنگی که طبق آن، وزارت علوم این نیازها را تعریف و از بالا به پایین ابلاغ می‌کند، باید تغییر یابد و به تعبیر درست‌تر، مسیر عکس این روند باید طی گردد به این معنی که ابتدا باید

نیازهای فرهنگی دانشجویان در سطح دانشگاه‌ها تعریف و تدوین گردد و سپس از پایین به بالا به وزارت علوم رسیده و پس از تصویب ابلاغ شود.

در بررسی نوع برنامه‌های فرهنگی، نتایج نشان داد که در زمینه فعالیت‌هایی که بیشتر با تخصص و نیز حرفه دانشجویان ارتباط دارند از جمله برگزاری همایش علمی، سمینار، کلاس‌های آموزشی و کارگاه آموزشی، میانگین احساس نیاز دانشجویان دانشگاه جامع علمی-کاربردی بیشتر از دانشجویان دانشگاه امیرکبیر است و این اختلاف میانگین زیاد است که نشان دهنده این است که نیازهای فرهنگی دانشجویان علمی-کاربردی در این نوع برنامه‌ها جدی‌تر است.

بر اساس نتایج، نیاز فرهنگی دانشجویان در دانشگاه امیرکبیر در حد زیاد و در دانشگاه جامع علمی-کاربردی در حد متوسط تامین می‌شود بنابراین برای تامین نیاز فرهنگی دانشجویان علمی-کاربردی باید برنامه‌ریزی دقیق‌تری منطبق با نیازهای آن‌ها با همکاری نهادهای بالادستی از جمله وزارت علوم تحقیقات و فناوری انجام گیرد.

با توجه به همبستگی مثبت برنامه‌ریزی مرتبط با نیاز فرهنگی دانشجویان با رضایت از برنامه‌های فرهنگی دانشگاه می‌توان نتیجه گرفت که دانشگاه جامع علمی-کاربردی به منظور ایجاد نگرش مثبت دانشجویان نسبت به عملکرد برنامه‌های فرهنگی، باید سیستم برنامه‌ریزی فرهنگی کارآمدتری را برای دانشجویان تعریف کند.

نتایج حاصل از رابطه موفقیت درسی دانشجویان و فعالیت‌های فرهنگی، همبستگی مثبت را نشان می‌دهد بنابراین با توجه به اهمیت قابل پیش‌بینی موفقیت درسی دانشجویان برای دانشگاه جامع علمی-کاربردی، دانشگاه باید سرمایه‌گذاری گسترده‌تری را در زمینه برنامه‌های فرهنگی دانشگاه انجام دهد.

پیشنهادها

- 1- پیشنهاد می‌گردد به منظور ارتقاء شاخص عملکرد فرهنگی دانشگاه جامع علمی-کاربردی کارگروهی متشکل از کارشناسان فرهنگی از سازمان مرکزی، واحدهای استانی و نیز مراکز علمی-کاربردی فعال دانشگاه در عرصه فرهنگی، به استناد یافته-

های این تحقیق، آئین‌نامه فعالیت‌های کانون‌های فرهنگی هنری و اجتماعی دانشجویان علمی-کاربردی را بر اساس نیازهای فرهنگی غالب دانشجویان، تدوین نموده و به منظور برنامه‌ریزی کاربردی به معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه و نهایتاً به معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ارائه نمایند تا پس از تایید، تحت عنوان دستورالعمل اجرایی فعالیت‌های فرهنگی دانشجویان دانشگاه جامع علمی-کاربردی ابلاغ گردد.

2- با توجه به نتایج به دست آمده، پیشنهاد می‌شود که سرمایه‌گذاری بیشتری بر روی همایش‌های علمی کلاس‌های آموزشی و سمینارها و کارگاه‌ها برای دانشجویان علمی-کاربردی انجام گیرد.

3- با توجه به ساختار ویژه و گستردگی جغرافیایی دانشگاه جامع علمی-کاربردی از یک طرف و میانگین پایین تعداد دانشجو در هر یک از 950 مرکز علمی-کاربردی و به تبع آن، عدم امکان توسعه برنامه‌ریزی فرهنگی در این مراکز از طرف دیگر، پیشنهاد می‌گردد ساختار جدیدی در قالب باشگاه‌های دانشجویی برای توسعه فعالیت‌های فرهنگی دانشجویان علمی-کاربردی و نیز ساماندهی بهتر این فعالیت‌ها در هریک از واحدهای استانی دانشگاه تعریف و راه‌اندازی شود. توضیح اینکه این باشگاه‌ها می‌توانند در فضای مجازی هم تعریف شوند.

4- با توجه به تاثیر مستقیم برنامه‌های فرهنگی بر موفقیت تحصیلی و به تبع آن، ابعاد مختلف شخصیتی دانشجویان پیشنهاد می‌شود مسوولان فرهنگی دانشگاه جامع علمی-کاربردی در بازه‌های زمانی مشخص، میزان رضایت دانشجویان را از برنامه‌های فرهنگی، مورد سنجش و بررسی قرار دهند.

منابع

- 1- آلن بیرو (1376)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه ساروخانی، تهران، انتشارات امیرکبیر اردکانیان، عباس (1389)، اهمیت آموزش اوقات فراغت در ارتقای سلامت جامعه.
- 2- اردلان، فرنگیس (1352)، جامعه شناسی اوقات فراغت، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- 3- اساسنامه دانشگاه جامع علمی-کاربردی (1371)، (قابل دسترس در پورتال دانشگاه جامع علمی-کاربردی).
- 4- اسلامی ندوشن، محمدعلی (1371)، فرهنگ و شبه فرهنگ، تهران، انتشارات یزدان
- 5- اشتریان، کیومرث (1388)، توانمندسازی اجتماع محور دانشجویان در حوزه فرهنگ، تهران، اداره کل امور فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- 6- بابایی، مونا (1386)، اهم فعالیت‌های دفتر امور کانون‌ها، تهران، اداره کل امور فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- 8- ترابی، آزاده‌سادات (1386)، تهران، دفتر امور فرهنگی وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- 9- حاجیانی، ابراهیم (1381)، بررسی نیازهای بهداشتی قالی‌بافان کشور و ارائه الگوی مناسب برای رفع آن‌ها، تهران، سازمان صنایع دستی.
- 10- آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (1371)، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- 11- خاکی، غلامرضا (1382)، روش تحقیق با رویکرد پایان‌نامه نویسی، تهران، انتشارات بازتاب.
- 12- خواجه‌سروی، غلامرضا (1386)، برنامه‌ریزی فرهنگی در دانشگاه‌ها، تهران، معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- 13- دبس، موریس (1370)، مراحل تربیت، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران.
- 14- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (1382)، سیاست‌گذاری و فرهنگ ایران امروز (خلاصه مجموعه مقالات) تهران.